خبرها

طالبی: یک ذره امید در اوایل مرداد

فیلم سینمایی «یک ذره امید» اثری اجتماعی در حوزه سینمای کودک و نوجوان است که با بازی گلشیفته فراهانی و حمید جبلی اوایل مرداد در تهران کلید می‌خورد. پروژه سینمایی «یک ذره امید» که قرار است تا زمان برگزاری جشنواره کودک اصفهان آماده نمایش شود داستان زندگی دختر نوجوانی است که به خاطر اینکه پدر و مادرش را از دست داده تلاش می‌کند برادر کوچکش را حمایت و تربیت کند و در این میان برای او اتفاقات متعددی می‌افتد.

میرکریمی: به همین سادگی در آبان ماه

رضامیرکریمی ساخت جدیدترین فیلم خود را با عنوان به همین سادگی از آبان‌ماه آغاز می‌کند. میرکریمی که این روزها به شدت درگیر تولید پروژه ساخت فیلمی درباره فرش ایرانی با همکاری ۱۵ کارگردان مطرح سینماست فیلمنامه این فیلم را با همکاری شادمهر راستین نوشته است.

عسگرپور: اقلیما تا چند روز دیگر در تهران

فیلم سینمایی «اقلیما» به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور تا چند روز آینده در تهران کلید می‌خورد. عسگرپور که چند ماه قبل، پروانه ساخت این پروژه را دریافت کرد، با فیلم‌نامه‌ای از محمدرضا گوهری، فیلمی با نام موقت «اقلیما» در ژانر جنایی می‌سازد. در خلاصه داستان آن آمده است: عماد و توران زوج جوانی هستند که زندگی آسوده و راحتی دارند و عاشقانه زندگی می‌کنند، اما این آرامش دیری نمی‌پاید و زندگی آنها دستخوش اتفاقات عجیب و غریبی می‌شود. نقش این دو زوج جوان را قرار است، پانته‌آ بهرام و حسین یاری ایفا کنند.

سینایی: نیمه شهریور در بوشهر

«کویر خون» خسرو سینایی که در جلسه اخیر شورای صدور پروانه تولید موفق به اخذ پروانه شد، نیمه شهریورماه در بوشهر کلید می‌خورد. سینایی در فیلمنامه «کویر خون» که با حال و هوایی مرتبط با جنگ ایران و عراق نوشته، قصد دارد از بازیگران بومی استفاده کند. فیلمبرداری «کویر خون» نیمه‌های شهریور در مناطق اطراف بوشهر آغاز خواهد شد. سعید سعدی مسئولیت تهیه این فیلم را بر عهده دارد و مرتضی پورصمدی به عنوان فیلمبردار انتخاب شده است.

بیضایی: انتخاب بازیگران لبه پرتگاه

تاکنون دو بازیگر بهرام بیضایی برای بازی در فیلم لبه پرتگاه انتخاب شده‌اند. اندیشه فولادوند و مژده شمسایی دو بازیگری هستند که از آنها برای بازی در تازه‌ترین ساخته بهرام بیضایی بعد از شش سال نام برده می‌شود. این فیلم به تهیه کنندگی حمید اعتباریان در دفتر سیران فیلم تولید می‌شود.

تورج منصوری: فیلمی به زبان انگلیسی

تورج منصوری برای کارگردانی فیلمی در لبنان به زودی عازم این کشور می‌شود. وی که قبلاً در اعتراض به نحوه اکران فیلم انتخاب اعلام کرده بود فیلمی را در ایران نخواهد ساخت کاری را با تهیه‌کننده و عوامل لبنانی به زبان انگلیسی مقابل دوربین می‌برد. این کارگردان توضیحات بیشتر را به بعد از مذاکرات نهایی موکول کرد. تورج منصوری که ساخت سه فیلم بازیچه (۷۱)، فرار مرگبار (۷۴)، انتخاب (۸۳) و دو سریال به نام‌های «هوای تازه» (۶۵) و «روزهای به‌یاد ماندنی» (۸۴) را در کارنامه هنری خود دارد بیشتر به عنوان مدیر فیلمبرداری مشغول بوده است.

داوودی: باخت پنهان با همکاری شهرداری

ابوالحسن داوودی فیلم «باخت پنهان» را با مشارکت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران می‌سازد. پس از مشارکت شهرداری تهران در ساخت فیلم‌های «ستاک» برزیده و «مراببوس» راعی این بار موسسه توسعه تصویر شهر وابسته به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران قصد دارد از ساخت تازه‌ترین فیلم ابوالحسن داوودی حمایت کند.

برزیده: فیلم محمود حکیمی را می‌سازد

حسن برزیده در یکی از بخش‌های مجموعه آثار مفاخر ملی با تولید فیلمی مستند زندگی و آثار محمود حکیمی را به تصویر می‌کشد. این فیلم جزء پروژه مفاخر ملی است که در دفتر رضا میرکریمی تهیه و تولید می‌شود. برای همکاری در این پروژه و ساختن فیلم، اسامی تعدادی از بزرگان فرهنگ و هنر در اختیار او قرار گرفته که با توجه به شناختی که از محمود حکیمی و آثارش دارد، فیلمی بر اساس زندگی او بسازد.

نگاهی به فیلم «شام عروسی» ساخته ابراهیم وحیدزاده

شام آخر

شاپور عظیمی

۱- پس از ناکامی بسیاری از فیلم‌های اکران شده در سینماها و فروش موفق یکی دو فیلم کمدی، نظریه‌پردازان به این نتیجه رسیدند که حیات و ممات سینمای ایران در گرو ساخته شدن آثار کمدی است. بنابراین با یک محاسبه سرانگشتی و ساده، خیل فیلمنامه‌های کمدی به سوی دفاتر تهیه فیلم روانه شد. حالا دیگر به هر تهیه‌کننده‌ای که می‌رسیدی می‌گفت: «فیلمنامه کمدی داری، وردار بیار.» شام عروسی تازه‌ترین ساخته ابراهیم وحیدزاده محصول این دوران است. هر چند که وحیدزاده تجربه ساخت چند فیلم کمدی را در کارنامه‌اش دارد، اما نمی‌توان این را کتمان کرد که فیلم براساس حال و هوای این یکی دوساله اخیر ساخته و روانه اکران شده است.

۲- شام عروسی اصلاً یک فیلم کمدی نیست. هر چند که اصرار دارد این طور به ما بگوید که فیلم یک کمدی است. شام عروسی کمدی نیست برای اینکه فیلمنامه‌اش به هیچ‌وجه عناصر کمیک را در خودش ندارد. بسیار بدیهی است که شیرین‌کاری‌های بازیگر اصلی فیلم اصلاً ربطی به شام عروسی و فیلمنامه آن ندارد. امین حیایی پس از شارلاتان که دست بر قضا آنجا هم «آزادی عمل» داشت، در شام عروسی از قابلیت‌های بازیگری خودش استفاده کرد و مشخصاً در دو سکانس فیلم آن را به‌کار گرفته است. اولین سکانس جایی است که ونداد باهر (حیایی) همراه همسرش به دیدار خانواده سنبل‌زاده می‌روند. هر آنچه که در این سکانس رخ می‌دهد نه ربطی به فیلمنامه فیلم دارد و نه ربطی به سینمای کمدی. آدامس به پای باهر چسبیده. شلوارش شکافته می‌شود. گربه خانم سنبل‌زاده را پرت می‌کند. از طناب آویزان می‌شود و دست آخر هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد. حتی حرفی از گندم و پسر سنبل‌زاده به میان نمی‌آید. هر چه هست شیرین‌کاری‌های امین حیایی است. بگذریم از اینکه اصلاً و با هیچ معیار و متراژی نمی‌توانیم بپذیریم که حیایی نقش مردی میانه‌سال را بازی کند که همسرش نه تنها به او نمی‌خورد بلکه در طول سال‌ها (فلاش‌بک حیایی و جشن تولد گندم یادمان هست) چهره‌اش هیچ تغییری نکرده است. سکانسی دیگر که همچنان شیرین‌کاری‌های حیایی را به ما نشان می‌دهد، سکانسی است که او با محمدرضا گلزار تصادف می‌کند. حالا دیگر می‌دانیم که حیایی اندام منعطفی دارد و به خوبی می‌تواند از عهده انجام حرکات موزون بربیاید. همین. وگرنه تمامی این سکانس هیچ ربطی به روایت در فیلمنامه ندارد. چون نه به داستان فیلم کمک می‌کند و نه در این سکانس اتفاقی رخ می‌دهد که به فیلم ربط داشته باشد. به سادگی اگر آن را کنار بگذاریم اتفاقی نمی‌افتد.

۳- شام عروسی فیلمنامه کمیک ندارد. (مسلماً نمی‌خواهم وارد این بحث شوم که فیلم به شدت شبیه یکی از آثار معاصر است که در آمریکا فروش بالایی داشت). فیلمنامه ماجرای بسیار درهم ریخته خانواده‌ای را می‌گوید که قرار است دخترشان ازدواج کند و پدر خانواده نمی‌خواهد که برای ازدواج دخترش هزینه کند. در واقع بازیگران سعی کرده‌اند فیلم را کمیک جلوه دهند و نه فیلمنامه‌نویس و یا کارگردان. مسلماً این قیاس، نمی‌تواند درست باشد. اما خوب است یک‌بار دیگر نگاه کنیم که چاپلین، کیتون، لوید و حتی نورمن ویزدوم چه می‌کردند که آثارشان را می‌توانیم کمدی بنامیم.

۴- شوخی‌های فیلم با فیلم‌ها و چهره‌های شناخته شده سینما، شاید بیش از هر چیز دیگری فیلم را «می‌اندازد». دلیل آن دو مسئله است. یکی استفاده بی‌رویه فیلم از آن آثار و دیگری این است که بی‌هیچ ارتباط ماهوی، شام عروسی به این فیلم‌ها اشاره می‌کند. دو نمونه مشخص، یکی آنجایی است که باهر پس از تصادف، پاهایش را در آب گذاشته و موقعی که صدایش می‌زنند «باهر!» می‌گوید من باهر نیستم. اشاره او به فیلم گاو مهرجویی است. جای دیگر همان سکانسی است که باهر به شرکت هواپیمایی می‌رود که بلیت سفر گندم و سنبل‌زاده را بگیرد. او در این سکانس به خیال فرو می‌رود و مانند حاج‌کاظم در آژانس شیشه‌ای ناگهان اسلحه‌ای بیرون می‌آورد و باقی قضایا. اگر در Naked Gun لسلی نیلسن با فیلم‌ها و سکانس‌های به‌یادماندنی آنها شوخی می‌کند؛ برای این است که تضاد میان جدیت آن فیلم‌ها و شوخی‌های نیلسن می‌تواند موقعیت‌های کمیک ایجاد کند. اما در شام عروسی، باهر با سکانس حمله حاج‌کاظم چه شوخی‌ای می‌کند؟ چه استفاده‌ای از آن می‌کند؟ جز اینکه مانند آن فیلم همه آدم‌های سکانس را کنار هم می‌بینیم. آیا باید در این سکانس ریسه برویم؟ شاید ناامیدکننده‌ترین بخش این شوخی‌ها را باید در سکانس رستوران فیلم جست‌وجو کرد. آنجا که مردی با موهای سفید روی میز دیزی گذاشته و آبگوشت می‌خورد و پیاز می‌شکند. قرار است آن مرد که بازیگرش شبیه مرحوم فردین است، تداعی‌کننده دوران فیلمفارسی باشد و ما را بخنداند یا بگریاند؟ از آنجا که شام عروسی فاصله بعیدی با آن نوع سینما ندارد، استفاده از دیزی‌خوری در رستوران شیک دقیقاً همان کنایه‌ای است که باید با آن کنار آمد و هیچ نگفت.

۵- شام عروسی، شوخی قشنگی نیست، هست؟!

به بهانه نمایش باغ‌های کندلوس و به‌آهستگی و سکانس‌های نماز در آنها

نیایش در آینه سینما

مهرزاد دانش

نماز یکی از شاخص‌ترین نمودهای هویت اسلامی است و در میان عباداتی که در این دین لحاظ شده است، شاید پردامنه‌ترین نمونه به حساب آید، چه از حیث تکرار دفعات انجام آن و چه از جهت میزان و عمق تقید به آن در بین مومنان به این دین. جدا از خیل احادیثی که در خصوص اهمیت نماز وارد شده است و جدا از احکام فقهی فراوان مترتب بر آن، در عین حال این عبادت یکی از سمبلیک‌ترین نیایش‌های دینی محسوب می‌شود، آنچنان که برای هر یک از اجزای آن معانی و تأویل‌های متعددی وجود دارد. مثلاً با استناد به حدیثی از امام رضا (ع)، بالا بردن دست به هنگام گفتن تکبیر در ابتدای نماز به معنای ابراز تسلیم محض و تواضع و فروتنی در برابر خداوند است (وسائل الشیعه ج۴، ص ۷۲۷) و یا فلسفه دو بار سجده کردن در هر رکعت از نماز بدین‌سان است که سجده اول یادآور حقیقت خاکی انسان است و سجده دوم تداعی‌بخش وصول مجدد او به خاک پس از مرگ است. بنابراین نماز، خود آکنده از راز است و اگر قرار باشد تجلی آن در آینه هنر بازتاب پیدا کند، با توجه به نظام نشانه‌پردازی که در قالب‌های هنری وجود دارد، این وجوه نمادین حالتی مضاعف پیدا می‌کند همانگونه که در تاریخ ادبیات و هنر ایرانی نیز نماز واجد معانی نمادینی شده است که در فرهنگ واژگان شخص هنرمند مفاهیم ثانویه‌ای بر آن افزوده می‌شود. به‌عنوان مثال حافظ یکی از شاعرانی است که در ابیات خود نماز را بیش از آن که در بستر فقهی / عبادی مطرح سازد، به عنوان محملی در جهت نیل به معشوق مورد استفاده کلامی قرار می‌دهد.

نماز در خم آن ابروان محرابی
کسی کند که به خون جگر طهارت کرد
یا
در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد
حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

و یا گاه از واژه نماز برای القای تقابل دو دیدگاه عرفانی مبتنی بر عشق و تشرعی مبتنی بر زهد استفاده می‌کرد:

می‌ترسم از خرابی ایمان که می‌برد
محراب ابروی تو حضور از نماز من
زاهد چو از نماز تو کاری نمی‌رود
هم مستی شبانه و راز و نیاز من

اگر از هنر و ادبیات متقدم بگذریم، در هنرهای مدرن‌تر نظیر سینما نیز نماز رفته‌رفته جایگاهی برای خود دارد پیدا می‌کند. در سینمای ایران، این بحث به سال‌های قبل از انقلاب نیز می‌رسد، منتها در آن دوران، نماز اغلب محملی برای نمایش یک موقعیت صوری مذهبی بود و نه بیشتر و برداشتی که از آن صورت می‌گرفت مبتنی بر یک آیین سنتی بود. این که مثلاً در فیلم یک اصفهانی در نیویورک (ماشاءالله ناظریان) قهرمان فیلم در وسط شهر نیویورک مشغول نماز خواندن می‌شود، و یا اگر در آثاری از قبیل شوهر آهوخانم (داوود ملاپور)، قیامت عشق (هوشنگ حسامی) و زن باکره (زکریا هاشمی) عمل نماز خواندن برخی از شخصیت‌ها نمایش داده می‌شود صرفاً ناظر به معرفی آن شخصیت به‌عنوان یک انسان مذهبی است و از همین‌رو سایر معانی و تأویل‌ها در خصوص نماز و جایگاه آن در بافت دراماتیک اثر به میان نمی‌آید. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی اگر از آن دسته فیلم‌هایی که بنا به اقتضائات زمانه و بر حسب رویکردی متظاهرانه و ریاکارانه، بحث نماز به صورتی کاملاً صوری و بی‌محتوا در آنها گنجانیده شده بود بگذریم و سراغ بررسی فرصت‌طلبی‌ها و بهره‌برداری از رانت‌های مذهبی‌نمایانه برای جلب‌توجه مسئولان امر نرویم، عنصر نماز در فیلم‌های سینمایی رویکردهایی متفاوت را به خود دیده است. یکی از این رویکردها، همان شاخصه‌پردازی جهت معرفی یک شخصیت به‌عنوان آدمی مذهبی بوده است. سفیر (فریبرز صالح)، عاشق مترسک (مهدی نوربخش)، عروس (بهروز افخمی) و یک تکه نان (کمال تبریزی) از این دست آثار هستند که نماز در آنها بستری برای مذهبی انگاشتن فرد نمازگزار بوده است. اگرچه در برخی از این آثار قابلیت‌هایی دیگر نیز از این حوزه قابل استخراج بوده است، مثلاً در عاشق مترسک از آنجا که یکی از شخصیت‌ها دست به سینه نماز می‌خواند و دیگری با دستان فروافتاده، موقعیتی برای القای تفاوت مذهب این دو آدم که یکی از اهل تسنن است و دیگری شیعه پدید می‌آید و یا مثلاً در یک تکه‌نان، از آنجا که نماز در متن طبیعتی خرم اقامه می‌شود، وجهه‌ای عرفانی نیز علاوه بر بحث عبادت حاصل می‌آید. اما به‌طور کلی این نوع استفاده از نماز، ساده‌ترین برداشت ممکن است و در سطحی‌ترین لایه اتفاق می‌افتد.

رویکرد دیگر در استفاده از عنصر نماز در سینمای ایران، قالب سنتی / آیینی است. مثلاً در فیلم هامون (داریوش مهرجویی) زمانی که شخصیت اصلی به دیدار مادربزرگش نائل می‌آید و طی آن، به یاد کودکی‌اش می‌افتد که در حال یادگیری حمد و سوره نماز بوده است، حسی آکنده از نوستالژی برای او پیش می‌آید چرا که اکنون به عنوان یک روشنفکر معلق و آویزان، دیگر نماز نمی‌خواند و آن یادآوری و تقابلش با زمان حال، به نوعی ریشه در رویارویی سنت و تجدد دارد. در فرش باد (کمال تبریزی) هم آنجا که مرد ژاپنی در مراسم نماز جمعه حضور پیدا می‌کند، بهانه‌ای مناسب برای نمایش این آیین سنتی / مذهبی در ایران به‌دست می‌آید تا در عین حال کارکردهای سفارشی این فیلم محفوظ باقی بماند، بی‌آن که در ذوق‌زننده باشد.

گاهی اوقات از نماز به عنوان قالبی ایدئولوژیک استفاده می‌شود. در آژانس شیشه‌ای (ابراهیم حاتمی‌کیا)، آنجا که حاج‌کاظم و دستیار مامور اطلاعاتی به اتفاق به نماز می‌ایستند، در واقع جبهه عقیدتی‌شان را در مقابل شخصیت سلحشور و اعتقادات مصلحت‌اندیشانه‌اش به موضع نمایش می‌گذارند. این رویه در فیلم بایکوت (محسن مخملباف) هم وجود دارد، آنجا که شخصیت اصلی فیلم، واله، که یک ملحد چپ‌گرا است، با عصبانیت مهر سجاده همسرش را که در حال نماز خواندن است به درون استخر پرتاب می‌کند و نگاه ایدئولوژیک خویش را نسبت به آیین‌های مذهبی بدین‌وسیله ابراز می‌دارد. این نوع استفاده از نماز، البته اگر به‌صورتی شتابزده و نارس انجام پذیرد، به یک‌جور قطب‌بندی شخصیتی منتهی می‌شود که پیچیدگی‌های کاراکترها و موقعیت‌ها را شاید به حداقل ممکن برساند که البته در دو فیلم یاد شده خوشبختانه چنین اتفاقی نمی‌افتد. کارکرد بعدی از نمایش نماز در سینما، به بعد عبادی آن مربوط می‌شود و در این زمینه، نماز در واقع محملی است برای ابراز نیاز شخصیت داستان در مقابل خداوند و طلب برآورده شدن حاجات و نذورات. در فیلم سارا (داریوش مهرجویی) که شخصیت اول داستان در موقعیتی بغرنج گرفتار آمده است از نمازخوانی او چنین استفاده‌ای به عمل می‌آید. در به‌آهستگی (مازیار میری) باز همین معنا به چشم می‌خورد چرا که قهرمان داستان درست زمانی که به نماز می‌ایستد تا از خدا برای حل مشکلش کمک بخواهد، همسر گمشده‌اش به خانه بازمی‌گردد و تقارن دعا و استجابت آن شکل می‌گیرد. البته در این فیلم نماز به مثابه یک موقعیت نیز مطرح می‌شود و مقایسه نمازی که مرد داستان می‌خواند با نمازی که یک پیرمرد در طول داستان به‌عنوان نماز قضای میت در برابر گرفتن پول می‌خواند، مخاطب را به سمت تقابل دو نوع دیدگاه که نسبت به مذهب نگرش‌هایی متفاوت دارند سوق می‌دهد.

این مورد اخیر، کارکرد دیگری از نماز را به یاد می‌آورد که همان بحث موقعیت‌سازی است. شاید فیلم شوکران (بهروز افخمی) بهترین مثال در این زمینه باشد. در این فیلم، مردی متاهل که قصد دارد با زنی غیر از همسرش ارتباط داشته باشد، در همان جلسه نخست روی عقاید دینی‌اش پافشاری می‌کند و از نماز مثال می‌آورد که در شبانه‌روز ۱۷ رکعت می‌خواند. زن در برابر این گفته به خنده می‌افتد و در آغاز گمان می‌رود که این کنش و واکنش در قبال نماز، یک جور وجهه مثبت بخشیدن به مرد و وجهه تخریب‌گرانه به زن است، اما زمانی که به اواخر اثر نزدیک می‌شویم و رفته‌رفته خوی غیرانسانی مرد خود را آشکار می‌کند بار دیگر مسئله نماز پیش می‌آید، منتها این‌بار این زن است که علاقه خود را به یادگیری نماز نشان می‌دهد و در مقابل مرد که موقعیت اجتماعی خود را در خطر می‌بیند او را ترک می‌گوید. بدین‌وسیله یک جور قرینه‌سازی مناسب به وسیله نماز برای نقب زدن به ظاهر و باطن آدم‌ها شکل می‌گیرد.

برخی مواقع نماز بیش از آن که موقعیت عبادی داشته باشد، عنصری برای القای وضعیت روانی نمازگزار است. مثلاً در از کرخه تا راین (ابراهیم حاتمی‌کیا)، شخصیت جانباز شیمیایی بر سجاده نماز نشسته است و خواهرزاده آلمانی‌اش دور او را با ریل ترن اسباب بازی‌اش محصور کرده است. مرد جانباز در این موقعیت از طریق تلفن می‌فهمد که مبتلا به سرطان شده است و حالت روانی او با استفاده از تقابل سکون سجاده و پویش قطار اسباب‌بازی به خوبی بازتاب پیدا می‌کند. در فیلم مارمولک (کمال تبریزی) نیز نماز وسیله‌ای است برای نشان دادن این که شخصیت اصلی داستان تا چه حد با معارف دینی ناآشنا است و البته این ناآشنایی در تقابل با لباس روحانیت که بر تن او نشسته است، وضعیت متضادی را ایجاد می‌کند که از دل آن اسباب خنده فراهم می‌شود و جنبه‌های کمیک فیلم تقویت می‌شود.

اما یکی از دلنشین‌ترین استفاده‌ها از نماز، همان بهره‌برداری است که در متون ادبی کهن ما آمده است یعنی القای یک جور ایده عاشقانه. منتها این ایده‌پردازی احتیاج به خلاقیت و آشنایی با ظرایف سینمایی دارد وگرنه حاصل کار خام از آب درمی‌آید. مثلاً در فیلم نغمه (ابوالقاسم طالبی)، قهرمان فیلم یک جانباز است که وضوی خود را چنان می‌گیرد که گویی می‌خواهد پیاله شراب بنوشد و بدین ترتیب بین نماز و مستی رابطه‌ای سمبلیک برقرار می‌سازد. اما پرداخت این صحنه چنان عاری از ظرافت است که لطافت معنا در زمختی صورت گم می‌شود و آن استفاده نمادین هدر می‌رود. خاکستر سبز (ابراهیم حاتمی‌کیا) نمونه بهتری از این دست به شمار می‌آید. تقارن عبادت قهرمان قصه با چشم افتادنش به دختر زیبای بوسنیایی، یادآور نوعی نماز عشق است و به شدت آن بیت از حافظ را تداعی می‌کند که «در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد / حالتی رفت که محراب به فریاد آمد» و آن بیت از سعدی که «چه نماز باشد آن را که تو در خیال باشی / تو صنم نمی‌گذاری که مرا نماز باشد». مرد پس از این آغاز عاشقانه، به نوعی اضطراب و رعشه می‌افتد که حاکی از بار سنگین عشق بر دوش اوست و این وضعیت با فشار شدیدی که مرد بر انگشتانش هنگام ادای ذکر تسبیحات حضرت زهرا(س) وارد می‌آورد ابراز می‌شود. اما یکی از بهترین نمونه‌های معادل‌سازی عشق و نماز، باغ‌های کندلوس (ایرج کریمی) است. در یکی از زیباترین فصل‌های این فیلم، نماز خواندن شخصیت زن داستان محملی می‌شود برای ابراز عشق عاشق نزد معشوق. می‌دانیم که طبق معارف اصیل اسلامی، عبادتی ارزشمند شناخته می‌شود که نه به قصد طمع در بهشت خداوند در اثر ترس از دوزخ، بلکه به خاطر محبت به خدا انجام شود.[1]

به عبارت دیگر، نماز عشق، تجلی حقیقی عبادت است. در این فصل از فیلم باغ‌های کندلوس، زن نماز می‌خواند و شخصیت مرد که به شدت عاشق او است، با او حرف می‌زند و همگام با رکوع و سجود زن، او نیز خم می‌شود و سر بر زمین می‌نهد. زن در نمازش با خدا حرف می‌زند و مرد در شبه‌نمازش با زن و سرانجام بوسه‌ای که هر دو بر مهر نماز می‌زنند، اوج این تقارن‌سازی عبادی / عاطفی را رقم می‌زند. نوری که از سمت در اتاق روی زن افتاده است، فلوفوکوس‌هایی که بین چهره زن و مرد رد و بدل می‌شود، میزانس و چیدمان عناصر درون قاب تصویر که به هارمونی حرکت زن و مرد کمک شایانی می‌کند و در آوردن کفش، همگی در دمیدن روح معنوی و حس عاطفی به این سکانس زیبا موثرند. ضمن آن که گله‌های مرد از زن در طول نماز، وجهه‌ای شکوه‌آمیز نیز به این عبادت می‌دهد که در معارف دینی ما نیز بی‌سابقه نیست.[2] هفت کارکردی که از نمایش نماز در سینما در بالا برشمرده شد، از مهمترین استفاده‌هایی است که تا به حال در سینمای ایران از این عبادت به عمل آمده است، اما با عنایت به بار معنایی و متعالی نماز و همچنین مسیر گسترده و رو به افق سینما، می‌توان باز هم کارکردهای خلاقانه دیگری را از این جریان شکل بخشید. اگرچه آفت تظاهرگرایی و فرصت‌طلبی، به ویژه در جوامعی که دین در سایه‌ای از آوازه‌گری‌های حکومتی واقع شده باشد، همواره در کمین است، اما اخلاص در هنر و مذهب آن آفت را به حاشیه می‌راند و عبادتی همچون نماز را چنان در آینه سینما منعکس می‌کند که چه بسا همچون خود نماز، شست‌وشودهنده روح آدمی باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۷: علی علیه‌السلام فرمود قومی خدا را به شوق ثواب پرستیدند که این پرستش تاجران است و گروهی خدا را از ترس عقاب پرستیدند که این پرستش بردگان است و دسته‌ای خداوند را برای سپاسگزاری پرستیدند، این پرستش آزادمردان است.

۲- یکی از معروف‌ترین نیایش‌های شکایت‌آلود فرازهای آخرین دعای افتتاح است که با عبارت «اللهم انا نشکوا الیک» آغاز می‌شود.

گزارش

نقد و بررسی فیلم «شام عروسی»

میزگرد فیلم «شام عروسی» یک روز قبل از اکران فیلم «شام عروسی»، در محل خبرگزاری ایلنا با حضور عوامل این فیلم برگزار شد. در ابتدای این نشست، «حمید اعتباریان» تهیه‌کننده فیلم «شام عروسی» گفت: با زبان طنز و بدون هجو و ابتذال آن دسته از مشکلات را که نمی‌توان در قالب تراژیک و دراماتیک به تصویر کشید برای مخاطبان به تصویر کشیده‌ایم. وی ادامه داد: آدم‌های «شام عروسی» تنها محدود به یک طبقه از اجتماع خاص نیستند، بلکه آنها نماینده طبقاتی از اجتماع هستند که در همه جوامع معاصر وجود دارند و فقط نقطه اختلاف آنها بر سر فرهنگ‌ها یا هنجارهای آن اجتماع است. اعتباریان درخصوص هزینه ساخت فیلم گفت: بیشتر هزینه صرف شده برای ایجاد و به تصویر کشیدن پروداکشن‌های واقعی و جذاب بود. قصد دارم با انجام این کار حداقل نقد تولید را در سینمای ایران به حد متوسط از نظر جهانی برسانم و با افزایش متعادل هزینه فیلم زمینه را برای ارتقای فیلم‌سازی ایران فراهم کنم. سپس، «ابراهیم وحیدزاده» کارگردان «شام عروسی» با اشاره به استفاده از ژانر کمدی و طنز گفت: کار هنری هر کسی مکمل شخصیت او است، یعنی آنچه را که در زندگی روزمره کم دارد در کار هنری به دنبال آن می‌رود و به دست می‌آورد. در زندگی شخصی‌ام طنز وجود ندارد، این را در کارهایم پیدا می‌کنم و این که احساس می‌کنم در این ژانر راحت‌تر می‌توانم حرف بزنم. وی ادامه داد: کسی کمدی را جدی نمی‌گیرد، بنابراین می‌توان حرف‌های جدی را در این ژانر راحت‌تر بیان کرد. وحیدزاده با اشاره به تعدد ساخت فیلم‌های کمدی در چند سال اخیر ادامه داد: سینما مسئله ارتباط است. وقتی مخاطب نیازی را دارد، سازنده به دنبال آن می‌رود. جامعه برای دگرگون شدن ذهنش به کمدی نیاز دارد و استقبال مخاطب از فیلم‌های کمدی باعث شده فیلمسازانی که کار کمدی نمی‌کنند به سمت این ژانر کشیده شوند. وی درباره کاریکاتوریزه کردن بعضی از آثار مشهور در فیلم «شام عروسی» گفت: در این فیلم به فیلم‌های «آژانس شیشه‌ای»، «گاو»، «اسپارتاکوس» و «تایتانیک» اشاره می‌شود. ما با این مدیوم شوخی کردیم که حتی این شوخی به موسیقی هم رسیده است. بنابراین این موقعیت‌های کمدی را ایجاد کردیم.

نشست پرسش و پاسخ با عوامل فیلم «سوغات فرنگ»

عوامل تولید فیلم سینمایی «سوغات فرنگ» شامل کامران قدکچیان کارگردان، مجید صالحی، آناهیتا نعمتی و حسام نواب صفوی بازیگر، عبدالله علیخانی تهیه‌کننده و حسن انصاریان فیلمنامه‌نویس برای نشست نقد و بررسی این فیلم در خبرگزاری «مهر» حضور پیدا کردند. در ابتدای این نشست قدکچیان با بیان اینکه شکل کلی فیلم و داستان آن تا حدودی کلیشه‌ای به نظر می‌رسد، گفت: «در همه ژانرها نوعی کلیشه وجود دارد. زیرا هر گونه سینمایی از مولفه‌های مشخص و به نسبت ثابتی استفاده می‌کند. فیلم «سوغات فرنگ» نیز بر اساس سینمای کمدی - اجتماعی فرمول خاص خود را دارد و از قواعد مشخصی پیروی می‌کند. آنچه اهمیت زیادی دارد اینکه فیلم‌ساز از مولفه‌ها و شاخص‌های مورد نظر بتواند اثری سالم و مناسب در بیاورد. حسن انصاریان نویسنده فیلمنامه درباره اینکه فیلمنامه تا حدودی به کلیشه‌ها پرداخته و به نظر می‌رسد فیلم به سینمای موسوم به «فیلمفارسی» نزدیک شده است، یادآور شد: «به عقیده من بخش نقد و بررسی سینمای ما به سمتی پیش می‌رود که اصلاً سالم نیست. این اصطلاحات را منتقدان وارد نوشته‌های خود کرده‌اند و این مسئله بیشتر ناشی از نیاز نویسندگان سینمایی است تا در سینمای بدنه کشور ما مطرح باشد. هر کشوری از سینمای تجاری، متفکر و هنری برخوردار است. مسئله اینجا است که هر نوع سینمایی برای خود قواعد و شرایط مشخصی دارد. آناهیتا نعمتی درباره نقشی که در «سوغات فرنگ» بر عهده دارد و واکنشی که نسبت به مشکلات عجیب و پیچیده‌اش بروز می‌دهد، توضیح داد: «به عقیده من این زن نماد یک زن سنتی ایرانی است. ما در جامعه‌مان از این نوع زن‌ها خیلی زیاد داریم. زنانی که مشکلات‌شان را بروز نمی‌دهند و با آن مبارزه می‌کنند. زنان جامعه ما در حفظ آبرو یا حریم زندگی خود به شدت تلاش می‌کنند و این زن هم از جمله همین قشر است. این شخصیت می‌کوشد حتی پدرش را برای پذیرفتن مجدد همسرش راضی کند.»

مجید صالحی که نقش راننده تاکسی را در این اثر بازی می‌کند در خصوص کلیشه‌ای بودن فیلم «سوغات فرنگ» گفت: «در سینمای جهان فیلم و آثار کمدی از توجه خاصی در بین مخاطبین برخوردارند و به عبارتی حرف اول را در سینمای جهان می‌زنند. در کشور ما نیز همین مسئله به خوبی دیده می‌شود. سال گذشته فیلم‌های «مجردها»، «نوک برج» و «شارلاتان» در این ژانر ارائه شد، امسال هم فیلم‌های کمدی دیگری باعث رونق سینما شده‌اند. به عقیده من، اینکه تعدادی فیلم کمدی در یک سال ساخته و در مدت زمان مشخصی اکران می‌شوند، کلیشه‌سازی محسوب نمی‌شود. مسئله اینجا است که هر کدام از این فیلم‌ها با دیدگاه و ساخت موقعیت‌های متفاوت به سینمای کمدی نزدیک شده‌اند.» حسام نواب صفوی در خصوص ویژگی‌های نقش خود در فیلم «سوغات فرنگ» گفت: «این نقش با آنچه تاکنون ایفا کرده‌ام و به خصوص شخصیتم در «ازدواج به سبک ایرانی» کاملاً تفاوت دارد. من در آنجا نقش یک جوان سنتی را ایفا کردم که زیر سلطه خانواده است و بر اساس جبر پدر می‌خواهد تن به ازدواج بدهد. در حالی که در این فیلم نقش جوانی را بازی می‌کنم که خودش برای زندگی و انتخاب همسرش تصمیم می‌گیرد و این مسئله را به پدرش هم می‌گوید.» وی درباره اینکه بیشتر نقش‌هایش منفی هستند، توضیح داد: «به عقیده خودم نقش‌هایی که بازی می‌کنم منفی نیستند، بلکه ضدقهرمان هستند. این افراد به‌طور مطلق بد نیستند، بلکه در تعارض با دیگر شخصیت‌ها قرار دارند.